

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مرحله‌ی آماده‌سازی فایل				
پیاده‌سازی	تصحیح و ویرایش اولتیه	ذکر مأخذ	ویرایش دوم	تکمیل مأخذ و ویرایش نهایی

رمز دائمی شدن برکات ماه مبارک رمضان

🌸 ماه رمضان شهرالله و ضیافت‌الله است اگر همیشه با خدا معامله داشته باشید، همه‌ی ماه‌ها برای شما شهرالله خواهد بود و همیشه خود را در ضیافت‌الله میهمان خدا خواهید یافت و نفستان تسبیح، خوابتان عبادت، اعمالتان مقبول و دعائتان مستجاب خواهد بود.

در اوایل کتاب ره توشه‌ی دیدار به این بحث اشاره کرده‌ام؛ تمام عباداتی که خدای متعال در زندگی برای ما مقرر کرده، تمرین‌های کوچکی است؛ مثل یک مانور آموزشی که نیروهای نظامی در منطقه‌ای مانور نظامی انجام می‌دهند و تمرین جنگیدن می‌کنند که اگر روزی جنگ واقعی رسید، آمادگی داشته باشند تا بتوانند خوب بجنگند. عباداتی که ما داریم همین است، مانورهای کوچکی است، تمرین می‌کنیم که تمام زندگیمان به آن رنگ درآید. پنج وعده نماز را می‌خوانیم، نه برای اینکه تمام نماز این پنج وعده است، **الَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ دَائِمُونَ**.^۱

خوشا آنان که دائم در نمازند که حمد و قُلْ هُوَ اللَّهُ كَارِشَان بِي

وضوئی بگیریم که دیگر این وضو باطل نشود، همه‌ی عمر با وضو باشیم. تکبیرة الاحرام نمازی را بگوییم که تا آخر عمر از آن نماز بیرون نیاییم؛ خوابیم در نماز باشیم؛ بیداریم در نماز باشیم؛ غذا می‌خوریم در نماز باشیم؛ حرف می‌زنیم در نماز باشیم؛ کسب می‌کنیم در نماز باشیم. اگر به ماه رمضان رسیدیم و روزه گرفتیم، نه به‌خاطر اینکه اول ماه رمضان روزه بگیریم و روز عید فطر هم افطار کنیم و

۱. سوره‌ی معارج، آیه‌ی ۲۳.

تمام شود؛ خیر. این تمرین را انجام می‌دهیم تا همه‌ی عمر در روزه بمانیم. روزه همه‌ی فضای زندگی ما را بگیرد. پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در خطبه‌ی شعبانیه که در جمعه‌ی آخر ماه شعبان آن را خواندند و نزدیک شدن ماه رمضان را بشارت دادند، فرمودند: **أَيُّهَا النَّاسُ؛ خَيْلِي عَجِيبٌ أَسْتُ كَمَا نَفَرْتُمْ مِنْهُ: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا؛** فرمودند: **أَيُّهَا النَّاسُ؛** من هنوز مانده‌ام که پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ چه می‌فرمایند؟ به مؤمنان نمی‌فرمایند، به مسلمانان نمی‌فرمایند، به همه‌ی ناس از کافر و مؤمن می‌فرمایند: **أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّهُ قَدْ أَقْبَلَ إِلَيْكُمْ شَهْرُ اللَّهِ بِالْبَرَكَةِ وَالرَّحْمَةِ وَالْمَغْفِرَةِ؛**^۲ ماه خدا، شهرالله، با برکت، رحمت و مغفرت به سوی شما روی آورد. اگر ماه رمضان شهرالله است، ماه‌های دیگر، ماه‌های غیر خداست؟ مگر ماه غیر خدایی هم داریم که مثلاً ماه شوال ماه غیر خدا شود؟ ماه صفر ماه غیر خدا شود؟ همه‌ی ماه‌ها ماه خداست، ماه رمضان را شهرالله گفته‌اند تا کم‌کم این شهرالله را به دوازده ماه سال تعمیم دهیم و همه‌ی دوازده ماه سال، شهرالله شود. بعد حضرت صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند: **هُوَ شَهْرٌ دُعِيتُمْ فِيهِ إِلَى ضِيَاةِ اللَّهِ؛** در ماه خدا شما به میهمانی خدا دعوت شده‌اید. ما در ماه رمضان، میهمان خدا بودن را تمرین می‌کنیم. این مانور و تمرین است تا خودمان را در همه‌ی ماه‌های سال میهمان خدا بدانیم. اگر این‌گونه شود و همه‌ی ایام عمرمان ایام الله شود. مگر روزهای عمرمان، غیر روزهای خداست؟ کدام روز؟ شنبه غیر خداست؟ یکشنبه غیر خداست؟ پنجشنبه غیر خداست؟ همه‌ی ایام هفته و همه‌ی ایام سال، ایام الله است. همه‌ی ماه‌های سال، شهرالله است. اگر به این حقیقت برسیم و سر از شهرالله در بیاوریم، برکات ماه مبارک رمضان برای ما دائمی می‌شود. برای عزیزان گفته‌ام که حقیقت شهرالله و حقیقت بیت‌الله، قلب مؤمن است؛ حقیقت، دل است. امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام در مسجدالحرام نشسته بودند و به کعبه چشم دوخته بودند و افراد مشغول طواف کعبه بودند؛ قریب به این مضمون حضرت عَلَيْهِ السَّلَام فرمودند:^۳ ای کعبه عجب شرافتی خدا به تو داده است، مردم از دور و نزدیک به دور تو طواف می‌کنند؛ اما کعبه بدان شرافت مؤمن فوق

۲. سیدین طاووس، اقبال الاعمال، ج ۱، ص ۲؛ حرعالمی، وسائل الشیعة، ج ۱۰، ص ۳۱۳؛ صدوق، امالی، ص ۹۳ و مجلسی، بحارالانوار، ج ۹۳، ص ۳۵۶.

شرافت تو است. خدا به تو شرافت زیادی داده است؛ اما شرافت مؤمن فوق شرافت تو است. به تعبیری کعبه یک ماکت است. دیده‌اید از ساختمان‌های بزرگ یک ماکت کوچک می‌سازند. کعبه یک ماکت است، ماکت قلب و دل است. از روی دل یک ماکت کوچک ساخته‌اند و وسط مسجدالحرام گذاشته‌اند. کعبه، ماکت دل است. خانه‌ی حقیقی خدا کجاست؟ خدای متعال فرمود: **لَا يَسْعُنِي أَرْضِي وَلَا سَمَائِي**^۴ نه زمین من و نه آسمان من، وسعت و گنجایش مرا ندارد؛ بلکه قلب عبد مؤمن من است که جای مرا دارد. **الْقَلْبُ حَرَمُ اللَّهِ**^۵؛ امام صادق عليه السلام فرمودند: قلب، حرم خداست؛ خانه‌ی خداست. دل، خانه‌ی خداست. بیت‌الله، دل است. آنچه وسط مسجدالحرام ساخته‌اند، یک ماکت است که از روی آن ساخته‌اند و آنجا گذاشته‌اند. سایه‌ی دل در عالم مکان افتاد، کعبه شد. سایه‌ی دل در عالم زمان افتاد، ماه رمضان و شهرالله شد. شهرالله، سایه‌ی دل مؤمن در عالم زمان است. اگر از دل سر درآوریم، فرمود: **مَنْ يَخْرُجُ مِنْ بَيْتِهِ مُهَاجِرًا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ**: کسی که از بیت نفس خود به قصد هجرت کردن به سوی خدا و رسول خارج شود. اگر من بخواهم از خانه‌ی نفسم بیرون بیایم و به سمت خدا و رسول بروم، خدا و رسول کجایند؟ در قلب هستند. **الْقَلْبُ حَرَمُ اللَّهِ**: قلب حرم خداست. پس من باید از بیت و خانه‌ی نفسم، به سمت قلب و دل هجرت کنم. **مَنْ يَخْرُجُ مِنْ بَيْتِهِ مُهَاجِرًا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ يُدْرِكُهُ الْمَوْتُ**؛ بین راه حرکت از نفس به قلب، موت هم به دست می‌آید. فرمود: **مُوتُوا قَبْلَ أَنْ تَمُوتُوا**^۶.

بمیرید، بمیرید، در این عشق بمیرید کزین عشق چو مردید همه روح پذیرید

۴. ابن‌ابی‌جمهور، عوالی‌اللتالی، ج ۴، ص ۷؛ خوئی، منهاج‌البراعة، ج ۹، ص ۴۰ و صدرالدین شیرازی، شرح‌اصول‌الکافی، ج ۱، ص ۵۰۰.

۵. مجلسی، بحار‌الانوار، ج ۶۷، ص ۲۵؛ شعری، جامع‌الاخبار، ص ۱۸۵ و شیخ‌بهایی، منهاج‌التجاح، مقدمه‌ی ۲، ص ۶۳.

۶. کلینی، کافی، ج ۲، ص ۱۴۰؛ مجلسی، بحار‌الانوار، ج ۶۹، ص ۵۹ و عدّه‌ای از علماء، الاصول‌الستة‌عشر، ص ۱۵۹.

وقتی از بیت نفس بیرون آمدید، بین راه، موت شما را در می‌یابد؛ **ثُمَّ يُدْرِكُهُ الْمَوْتُ**. وقتی به موت رسیدید، **فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ**^۷ اجر این بر خداست. صورت ظاهر هم اگر کسی از تهران به سوی مکه برای سفر حج حرکت کند، بین راه، حج را به جا نیاورده، تصادف کند و کشته شود، مریضی بگیرد و بمیرد، حج بر گردنش نیست. **فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ**. این صورت ظاهرش است؛ اما صورت باطن این است که از بیت نفس، از منیت، خودبینی، خودخواهی، انانیت و آتیت بیرون آمدن و به سوی خانه‌ی خدا که دل است، حرکت کردن؛ حاجی حقیقی این است. ممکن است انسان صدبار مسجدالحرام را ببیند؛ ولی حاجی نشده باشد و ممکن است یکبار هم مسجدالحرام را ندیده باشد و حاجی حقیقی باشد،

به کعبه رفته و حسرت خورم بر آن قومی که از زیارت دل‌های خسته می‌آیند

کعبه یک سنگ نشانی است که ره گم نشود

ماه رمضان سایه‌ی دل مؤمن در عالم زمان است. اگر فردی از عالم دل سر درآورد، اهل دل شود، برایش همه‌ی روزها ایام‌الله و همه‌ی سال‌ها، سال‌های خدایی و همه‌ی ماه‌ها، ماه‌های خدایی است و او میهمان همیشگی خدا می‌شود. او فقط در ماه رمضان در ضیافت‌الله نیست، او دائم خودش را بر سر سفره‌ی خدا میهمان می‌بیند. پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در همان خطبه‌ی شعبانیه فرمودند: در این ماه رمضان **عَمَلُكُمْ فِيهِ مَقْبُولٌ**: اعمال شما مورد قبول خداست. کسی که در ماه‌های دیگر روزه می‌گیرد، نماز می‌خواند، ذکر می‌گوید، نمی‌داند این عمل مورد قبول حق است یا خیر؟ اما در ماه رمضان خدا تضمین کرد، فرمود: نگران نباشید، عملی که انجام دادید **فِيهِ مَقْبُولٌ**: مقبول است. در ماه‌های دیگر دعا می‌کنیم، نمی‌دانیم اجابت می‌شود یا خیر؟ اما فرمود: **دُعَاؤُكُمْ فِيهِ مُسْتَجَابٌ**: در ماه رمضان دعای شما

۷. سوره نساء، آیه ۱۰۰.

مستجاب می‌شود، ردخور ندارد. **أَنْفَاسُكُمْ فِيهِ تَسْبِيحٌ**: نفس شما تسبیح است. هوا بالا و پایین می‌رود، تسبیح است. نگفت اجر تسبیح دارد. نفس شما تسبیح است. **أَنْفَاسُكُمْ فِيهِ تَسْبِيحٌ**. این بلندتر از آن است که اجرش را به شما بدهند. خود این نفس تسبیح است. **نَوْمُكُمْ فِيهِ عِبَادَةٌ**^۸ در ماه رمضان می‌خواهیم عبادت است. پس کسی از دل سر درآورد، همه‌ی ایام عمرش میهمان خدا می‌شود و در ضیافت‌الله است. هر وقت بخوابد، عبادت کرده است. نفس که می‌کشد، نفسش های و هوست، نفسی نیست که هوا بالا و پایین بیاید، این نفس ذکر است؛ چون جوهر ذکر در این نفس است. ذکرهای مختلفی است، شما **لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، يَا اللَّهُ، اللَّهُ أَكْبَرُ، يَا هُوَ؛ يَا هُوَ؛ يَا مَنْ هُوَ؛ يَا مَنْ هُوَ إِلَّا هُوَ** می‌گویید، آخرش **يا هُوَ** می‌گوید. **يا** ی آن را هم می‌اندازید و **هُوَ هُوَ** می‌گویید. در آخر واو آن را هم انداختید، **هُ** می‌شود، خود نفس می‌شود. کسی اهل دل باشد، نفس که می‌کشد ذکر خداست. همه‌ی وجودش ذکر می‌شود. نبضش را هم بگیرد **اللَّهُ، اللَّهُ، اللَّهُ** می‌گوید. در خواب و بیداری ذاکر است. حرف می‌زند، ذاکر است. ساکت است، ذاکر است. هر چه می‌کند، ذاکر است. چگونه انسان دائم الصلاة، دائم الوضو و دائم الصیام - شود؟ همه چیزش دائمی شود؟ چون در بهشت همه چیز دائمی است. **أَكُلُهَا دَائِمًا**^۹ در بهشت غذاهای بهشتی دائمی است، مدام می‌خورند، هیچ وقت هم سیر نمی‌شوند؛ چون غذا خوردن بهشتی‌ها مثل غذا خوردن اهل دنیا بر اثر سیری یا گرسنگی نیست. اهل طبیعت، از روی سیری و گرسنگی غذا می‌خورند. گرسنه می‌شوند، غذا می‌خورند؛ غذا که خوردند سیر می‌شوند، دلشان نمی‌خواهد بخورند. چند ساعت می‌گذرد، دوباره گرسنه می‌شوند و باید غذا بخورند. نه وقتی سیر شدند می‌توانند بیشتر بخورند؛ نه وقتی گرسنه شدند می‌توانند گرسنگی را تحمل کنند. اهل طبیعت این‌گونه هستند؛ اما اهل دل با اشتها می‌خورند، نه با گرسنگی و سیری. اشتها مربوط به روح است، سیری و گرسنگی مال

۸. سیدبن طاووس، اقبال الاعمال، ج ۱، ص ۲ و حرعاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۰، ص ۳۱۳ و مجلسی، بحار الانوار، ج ۹۲، ص ۳۵۶.

۹. سوره‌ی رعد، آیه‌ی ۳۵.

بدن است که حیوانات هم دارند. نمونه‌اش این است؛ وقتی به خانه‌ی کسی می‌روید که سفره‌ای با غذاهای رنگارنگ و لذیذ چیده است؛ ولی احساس می‌کنید صاحب‌خانه سر شما منت می‌گذارد و شما هم به شدت گرسنه هستید؛ اما رغبت، میل و اشتها به خوردن ندارید، در حالی که بدن شما به شدت به خوردن غذا احتیاج دارد. یک‌بار هم شما شام مفصل خورده‌اید و بعد به خانه‌ی رفیقی می‌روید که خیلی دوستش دارید، سفره پهن کرده است و می‌گوید، رفیق بسم‌الله؛ شما اصلاً یادتان می‌رود که غذا خورده‌اید، می‌نشینید دوبرابر دیگرانی که غذا نخوردند، می‌خورید؛ احساس سنگینی و سیری هم نمی‌کنید. اهل بهشت باشتها می‌خورند با سیری و گرسنگی نمی‌خورند. یک نمونه‌اش را نشان بدهم؛ شما در مجالس ذکر خدا و اولیاء خدا نشسته‌اید، هیچ احساس سیری می‌کنید، کی سیر می‌شوید؟ خدا حاج‌آقا دولابی رحمته‌الله را رحمت کند، جلسات خیلی طولانی داشتند، گاهی هشت، ده، چهارده یا پانزده ساعت هم می‌نشستیم و این پیرمرد صحبت می‌کردند، نه ایشان یک ذره احساس خستگی در حرف زدن می‌کردند و نه ما یک ذره احساس خستگی در شنیدن می‌کردیم. ما سر کلاس دانشگاه خواهیم غیر این حرف‌ها بزنیم، البته خدا روزی می‌کند کلاس دانشگاه را هم خرابات می‌کنیم؛ ولی اگر خواهیم یک ساعت حرف علمی ظاهری بزنیم، دانشجو می‌گوید استاد خسته نباشید، یعنی خسته شدیم؛ ولی یک پیرمرد صد ساله، نزدیک به ده، پانزده ساعت حرف می‌زند و خسته نمی‌شود و جمعیتی هم که نشسته است، می‌خکوب می‌نشینند و خسته نمی‌شوند. داستان عادی نیست، این **اَکُلُهَا** **دائم** است. تازه بعد از ده پانزده ساعتی که بلند می‌شدیم، تشنه‌تر از موقعی بودیم که وارد مجلس شده بودیم؛ سیری نداشت، مجلس ذکر خدا و اهل‌بیت علیهم‌السلام سیری ندارد؛ این غذای بهشتی است. امیدوارم پرده کنار برود. اگر بگویم اینجا بهشت است، بهشت کوچک است. مجلس ذکر اهل‌بیت علیهم‌السلام بهشت آفرین است، بهشت کوچکتر از مجلس اهل‌بیت علیهم‌السلام است.

ای دوست شکر بهتر یا آنکه شکر سازد خوبی قمر بهتر یا آنکه قمر سازد
 ای باغ تویی خوش‌تر یا گلشن گل در تو یا آنکه برآرد گل صد نرگس تر سازد

کدام بزرگتر است، بهشت یا بهشت‌آفرین؟ مجلس ذکر اهل‌بیت علیهم‌السلام بهشت‌آفرین است. بهشت چیست؟ بهشت به پایش نمی‌رسد. امیدوارم پرده‌ها کنار برود و حقیقت را ببینیم و قدر بدانیم که خدا بی‌زحمت و بی‌منت ما را کجا نشانده است. در هر صورت اگر از شهرالله سر در آوریم، **أَنْفُسُكُمْ فِيهِ** تَسْبِيحُ نفس‌هایمان تسبیح می‌شود **وَ نَوْمُكُمْ فِيهِ عِبَادَةٌ؛ عَمَلُكُمْ فِيهِ مَقْبُولٌ؛ دُعَاؤُكُمْ فِيهِ مُسْتَجَابٌ.**

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ